

جریان نوسلفی‌ها در دوران معاصر

نویسنده: ذبیح‌الله نعیمیان^۱

چکیده

جریان نوسلفی، نهضتی دینی - سیاسی است که در دو سه دهه اخیر تکوین یافته است. نوسلفی‌گری شاخه‌ای از وهابیت است که به دلیل غلبه جنبه انتقادی آن نسبت به محافظه‌کاری سنتی وهابیت، توانسته است مخاطبان خاصی را به‌ویژه در مقابله‌جویی با کشورهای سلطه‌جو و برخی اقتدارگرایی‌ها در برخورد با قدرت‌های داخلی به دست آورد، چنان‌که می‌بینیم تأثیرات با واسطه سید قطب در این روحیه ضد محافظه‌گرایی جدی است.

از این رو، نوشتار حاضر ضمن زمینه‌شناسی تاریخی تکوین این جریان، به شخصیت‌شناسی پیشتازان این حرکت می‌پردازد و برخی اندیشه‌های محوری این جریان را در خلال بحث معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی

وهابیت، سلفی‌گری، نوسلفی، الصحویون، امریکا، سیدقطب، پیشتازان نوسلفی‌گری

۱. عضو هیئت علمی گروه فقه سیاسی «پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام» (وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری).

در دنیای معاصر، عربستان به عنوان مهم‌ترین منبع برای تکوین و صدور وهابیت و سلفی‌گری به دنیای اسلام است. بررسی ابعاد مختلف این جریان دینی - سیاسی، در دورانی که سطح و تنوع درگیری وهابیان با دیگر مسلمانان بیشتر شده است، اهمیت خاصی دارد. در بحث حاضر، ضمن زمینه‌شناسی تکوین جریان سیاسی - دینی نوسلفی (به عنوان یک شاخه مهم سیاسی وهابیت در دوران معاصر)، به شخصیت‌شناسی پیشتازان این نهضت پرداخته‌ایم.

زمینه‌شناسی تکوین جریان نوسلفی

تکوین نوسلفی‌گری فرایند طولانی داشته است. برخی زمینه‌های فکری و سیاسی که به این امر کمک کرده‌اند، عبارتند از:

۱. تأثیر اندیشه مبارزه‌گرایانه سید قطب در عربستان سعودی؛
۲. تأثیرات منفی دولت سعودی از حضور نظامی امریکا در جنگ خلیج فارس؛
۳. بازتاب ۱۱ سپتامبر و چالش افغانستان؛
۴. بازتاب اشغال عراق.

۱. تأثیر اندیشه مبارزه‌گرایانه سید قطب در عربستان سعودی

سید قطب، شخصیت تأثیرگذاری بود که روح مبارزه با دولت‌های فاسد را در میان کشورهای اسلامی زنده ساخت. **ابوالاعلی مودودی** با طرح اندیشه جاهلیت نوین، آن را حاکم بر تمدن غربی دانست، در حالی که سید قطب با الگوبرداری از این اندیشه، محدوده شمول جاهلیت را چنان گسترش داد که اکثریت مسلمانان را در بر گرفت. (رضوان السید، ۱۳۸۳: ۹۰ و ۹۱) کانون اندیشه سید قطب بر اساس حاکمیت انحصاری خداوند متعال شکل گرفته بود. او این اندیشه را در **فی ظلال القرآن** و سپس به صورت صریح‌تر و تندتری در **معالم فی الطريق** بیان کرد. همه پاسخ‌دهندگان به سید قطب معتقد بودند که وی اندیشه خود را از خوارج گرفته است.^۲ (نک: ابوزید، ۱۳۸۳: ۱۳۰ و ۱۳۱) این نگاه منفی به مسلمانان، به‌وسیله برخی گروه‌های منشعب از اخوان المسلمین اوج گرفت.

پس از چند دهه سلطه خاندان سعودی و همکاری دینی - سیاسی وهابیت با آنها در این مدت، ورود اندیشه‌های

۲. البته **نصر حامد ابوزید** بحث حاکمیت و تمسک به **لا حکم الا لله** را به اقدام فریبکارانه امویان در جنگ صفین برمی‌گرداند و این اندیشه را اموی می‌داند، نه خوارجی، چنان‌که تمسک خوارج به این اصل را تنها به منزله «پاسخی بر حکمیت افراد حاضر در موضوعی محدود و مشخص» می‌داند. از این رو، معتقد است که «مفهوم حاکمیت به معنای اموی و نه خوارجی آن، در گفتارهای مودودی دیده نمی‌شود، مگر هنگامی که جنگ مسلمانان و هندوها در شبه قاره هند در زمان استقلال پدید آمد.» (ابوزید، ۱۳۸۳: ۱۳۲ و ۱۳۳)

تأثیر آفرین سید قطب به عربستان سعودی می‌توانست این حاکمیت بلامنازع را متزلزل سازد. در دورانی که عربستان سعودی می‌کوشید تا در برابر موج ناصریسم بایستد، ورود محمد قطب، برادر سید قطب به عربستان که با استقبال مردم این کشور روبه‌رو گشت، تأثیر بسزایی در درازمدت بر جای گذاشت، به گونه‌ای که محمد قطب توانست شاگردانی را پروراند که برای آنان توحید قصور بر توحید قبوری که وهابیت سنتی بدان می‌پرداختند، ترجیح داشت.

تعالیم مبارزه‌جویانه قطبی در دراز مدت، زمینه‌ساز درگیری پیروان آن با دولت‌ها بود، درحالی‌که وهابیت سنتی، حتی نصیحت آشکار به حاکم را نیز نمی‌پسندید. از این رو، هرگز مبارزه با حاکم را جایز نمی‌دانست.^۳ آنان این مسئله را از منظری دینی توجیه می‌کنند.^۴ این عامل، سبب ارتباط مستمر آنان با دستگاه حاکم می‌شود و تا زمانی که این اندیشه دینی بر آنان حاکم است، هرگز زمینه‌ای برای برخورد با دستگاه میان علمای وهابی و پیروان آنان با نظام سیاسی به وجود نخواهد آمد، درحالی‌که اندیشه سید قطب، زمینه‌ای قوی برای مقابله با دستگاه در اختیار کسانی قرار می‌دهد که آنان را نوسلفی می‌خوانیم. اندیشه‌های مبارزه‌گرایانه سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن و در کتاب مشهور معالم فی الطريق، همواره درس‌آموز تقابل با حکومت‌های غیرملتزم به شریعت است.

در جریان تقابل عربستان سعودی با جریان ناصریسم، محمد قطب با استقبال مردم عربستان، به این کشور وارد شد. او توانست با تربیت شاگردانی چون سفر الحوالی و سلمان العوده، پایه جریان نوسلفی را بنیان نهد. مبارزه‌گرایی سید قطب در مصر از گونه مبارزه‌جویی خوارج تلقی شد. از آنجاکه در باورهای دینی خوارج، مرتکب کبیره کافر است، آنان حاکمانی را که به شریعت پایبند نبودند، به تیغ تکفیر می‌راندند. اتهام خارجی‌گری به سید قطب و پیروان او، جای بسی تأمل است، ولی طرح ضمنی این شائبه درباره نوسلفی‌ها نیز محوری است که بدون تحلیل دقیق درباره آن، نمی‌توان به کنه جریان نوسلفی پی برد. حتی اگر این اتهام را درباره آنان نپذیریم، اصل این مسئله قابل تأمل است که آموزه اطاعت کامل از حاکم و پادشاه در جریان نوسلفی مورد تردید است، بی‌آنکه لزوماً آنان از دیگر اندیشه‌های وهابیت چشم پوشیده‌اند، چنان‌که پرداختن افراطی به مسئله توحید از طریق مذمت مقابله با زیارت قبور در قالب تعبیر تحقیرآمیز توحید قبور، مورد نکوهش آنان است و آنان مبارزه با مفساد نظام سیاسی را به‌عنوان توحید قصور بر توحید قبور ترجیح می‌دهند. در هر حال، محمد قطب که بیش از شصت کتاب نگاشته است، چنان تأثیری بر مخاطبان خود می‌گذارد که توحید وهابیان برای آنها بی‌معنا جلوه می‌کند.

۳. جالب آنکه بن باز دلیل فتنه‌ای را که در آن عثمان و امام علی x به قتل رسیدند، مخالفت علنی با ولی امر می‌داند و معتقد است اثر آن تا به حال نیز باقی است. (برای دیدن نمونه‌ای از این رویکرد در فتوای بن باز، نک: بن باز، **المعلوم**، ص ۲۲)

۴. یکی از مهم‌ترین منابع در این رویکرد دینی - سیاسی، چنین احادیثی - به‌عنوان حدیث صحیح السند - است: «من أراد أن ينصح لذي سلطان فلا يبيده علانيه، وليأخذ بيده، فيخل به، فإن سمع منه فذاك وإلا كان قد أدى الذي عليه». (رواه الحاكم (۵۲۶۹)؛ أحمد (۱۵۳۶۹)؛ ابن أبي عاصم في السنة (۱۰۹۶)؛ في الأحاد و المثنى (۸۷۶)؛ بيهقي، سنن الكبرى، (۱۶۴۳۷)؛ طبرانی، معجم الكبير، (۳۶۷/۱۷)؛ مسند الشاميين (۱۸۷۴)؛ صححه الألبانی)

به گزارش دکتر عصام العماد (وهابی پیشین یمنی و تحصیل کرده دانشگاه محمد السعود که شیعه شده است)، جدا از اندیشه‌های سید قطب و برادرش، انتشار اندیشه‌های ضد وهابی محمد غزالی و محمد سعید رمضان البوطی، بیشترین تأثیر را در تقسیم وهابیت به دو شاخه درباری و انقلابی داشته است. در این میان، کسی مانند اسامه بن لادن نیز نزد شاگردان محمد قطب درس خواند و از این طریق با کتاب‌های سید قطب آشنا شد.

ربیع المدخلی، از مشهورترین پیشتازان جریان جامیه، که به نوعی در مدینه محصور بود، کسی است که از آغاز نسبت به حضور محمد قطب در عربستان هشدار داد، ولی به این هشدار او چندان توجهی نشد. به گزارش دکتر عصام العماد، ربیع مدخلی نسبت به توحید حاکم بر جنبش سیاسی بن لادن در افغانستان حساسیت نشان داد و توحید حاکم بر آنان را متمایز از توحید محمد بن عبدالوهاب دانست. در مقابل، عبدالله عزام، از عرب‌های افغان - که پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر کشته شد - نیز به مقابله با ربیع مدخلی برخاست. حساسیت ربیع مدخلی در مقابل این جنبش‌ها مورد پذیرش بن باز نیز بود. به گفته بن باز، جنبش‌هایی که ربیع مدخلی نمی‌پذیرد، او نیز آنها را نمی‌پذیرد.

۲. تأثیرات منفی استقبال دولت سعودی از حضور نظامی امریکا در جنگ دوم خلیج فارس

در جریان لشکرکشی امریکا به منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۹۰م، امریکا خواهان حضور در عربستان بود که این امر با پذیرش دولت سعودی و فتوای موافق هیئت کبار علما میسر گشت، هرچند این مسئله شکافی درونی میان علمای وهابی ایجاد کرد. کسانی مانند سفر الحوالی، سلمان بن فهد العوده، شیخ ناصر العمر و شیخ عائض القرنی، به مقابله با این مسئله همت گماردند. این اقدام در سطوح مختلف به وسیله کتاب‌ها، نشریات، نوارهای کاست، نوارهای ویدئو، سخنرانی‌ها و... تأثیرگذار بود. سرانجام این درگیری به اخراج چند تن از علمای وهابی نوسلفی از هیئت کبار العلما انجامید، چنان‌که کسانی مانند سفر الحوالی و سلمان بن العوده برای چند سال به زندان افتادند.

با صدور فتوای بن باز مبنی بر تجویز استقرار سربازان غیر مسلمان در عربستان، مجادله‌ای میان گرایش‌های مختلف در عربستان شکل گرفت. در این مجادله، عبدالرحمن غازی القصبی از تصمیم پادشاه حمایت کرد، درحالی‌که کسانی چون سفر الحوالی، (نک: الحوالی، بی تا: ۸۴ و ۸۵) ناصر العمر، عائض القرنی و سلمان العوده به نقد این تصمیم پرداختند تا آنجا که ناصر العمر، غازی القصبی را سکولار و کافر خواند.

قصبی نیز در مقابل، با انتشار مجموعه مقالاتی با عنوان «حتی لاتکون فتنه»، این ادعا را رد کرد و خواستار اثبات آنها در دادگاه شد، ضمن آنکه گرایش مقابل خود را به جنبش جهیمان العتیبی ربط داد و آنها را قدرت‌گرا، فقهای سیاسی و خمینی‌های عربستان سعودی نامید. (نک: دکمیجان، ۱۳۸۳: ۲۶۴ - ۲۶۷)

نگاه منفی کسانی مانند قصبی به شورش جهیمان، نکته‌ای فراموش ناشدنی است، چنان‌که بسته بودن فضای فکری و

سیاسی عربستان سعودی را می‌توان در سرکوبی خشن جنبش اعتراضی و عدالت‌جویانه جهیمان عتیبی در دسامبر ۱۹۷۹م. جست‌وجو کرد. شورش جهیمان، تنها شورشی کور و بدون زمینه‌های نظری نبود؛ او در رساله‌ای با عنوان **الامارة والطاعة والبيعة**، برخی انگاشته‌های دینی - سیاسی خود را طرح کرده بود. برای نمونه، وی معتقد بودن به اسلام، قرشی بودن و تطبیق شریعت را سه شرط اساسی برای امام می‌دانست. توجه خاص به این عناصر به‌ویژه شرط تطبیق شریعت، می‌توانست زمینه نظری مناسبی برای جریان‌های ستیزه‌جو در داخل جریان‌های وهابیت باشد. در هر حال، تأثیرپذیری از جهیمان نیز می‌تواند زمینه‌های فکری بخشی از جریان نوسلفی را در زمان‌هایی پیش‌تر از حضور نظامی امریکا در عربستان نشان دهد.

در دسامبر ۱۹۹۰م. چهل و سه روشنفکر لیبرال طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به پادشاه عربستان، خواستار اصلاحاتی دموکراتیک در ساختار سیاسی عربستان شدند. در واکنش به این شکواییه، ۵۲ نفر از اسلام‌گرایان در ماه می ۱۹۹۱م. از طریق پیامی، دوازده درخواست اصلاحی به پادشاه ارائه دادند.

سازمان دینی تحت نظر بن باز، یعنی هیئت کبار العلماء، پیام می ۱۹۹۱م. را به دلیل تعرض و بی‌احترامی به پادشاه محکوم کرد. پس از آن، در سپتامبر ۱۹۹۲م. «یادداشتی توصیه‌آمیز» در ۴۵ صفحه خطاب به بن باز نگاشته شد که در آن، بر ابعادی از پیام می ۱۹۹۱م. تأکید و درباره برخی دیگر ابعاد، توضیح داده شد. این اقدام نیز از سوی هیئت کبار العلماء، اقدامی تفرقه‌گرایانه خوانده شد و با محکومیت فوری روبه‌رو گشت. البته هفت عضو از اعضای نوزده‌گانه این نهاد از تأیید آن خودداری ورزیده که این امر به برکناری آنها از سوی پادشاه و نصب ده نفر دیگر از افراد طرف‌دار رژیم به جای آنها در هیئت کبار العلماء انجامید. در مقابل، سه تن از علمای جنبش مخالف (حمد عقله الشعیبی، عبدالله المصعری و عبدالله بن جبرین) طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به بن باز، اتهام تفرقه‌افکنی را نفی و وی را تهدید کردند که به دلیل این افترا، او را به دادگاه می‌کشانند. (نک: همان: ۲۶۶-۲۷۰)

در دسامبر ۱۹۹۲م. ملک فهد در یک سخنرانی خطاب به علمای برجسته وهابی خواستار پایان دادن به تبلیغات مخرب ضد دولت شد و این فعالیت‌ها را با عنوان گرایش‌های خارجی‌گرایانه محکوم کرد، ولی در می ۱۹۹۳م. شش تن از مخالفان که پنج تن از آنها یادداشت ۱۹۹۲م. را تأیید کرده بودند، کمیته حمایت از حقوق شرعی تشکیل دادند که اقدام آنها با حمایت گروه‌های حقوق بشر بین‌المللی روبه‌رو گشت. محمد المصعری، سخن‌گوی این کمیته و سلیمان الرشودی به زندان افتادند و اعضای دیگر نیز از کار برکنار شدند. البته گفته شده است شیخ عبدالله بن جبرین، معروف‌ترین عضو این کمیته، حمایت خود را از کمیته پس گرفت و محمد المصعری پس از آزادی از زندان مخفی شد و در آوریل ۱۹۹۴م. به‌عنوان منتقد دولت سعودی از لندن سر درآورد. (نک: همان: ۲۷۵ و ۲۷۶)

ملک فهد با توشیح قانون اساسی (النظام الاساسی للحکومه) در مارس ۱۹۹۲م. و تشکیل مجلس شورا و نصب ۶۱ عضو آن (همراه با عضویت دکتر جمیل الجشی، یکی از شیعیان استان شرقی)، دست به یک سری اقدام‌های اصلاحی زد تا بتواند فضای جدید را مدیریت کند، به‌گونه‌ای که هیچ یک از رهبران و پیروان جنبش بیداری در آن عضو نبودند. از سوی دیگر، در

آوریل ۱۹۹۴م. دولت سعودی تابعیت و شهروندی اسامه بن لادن را به اتهام رفتار غیرمسئولانه‌اش لغو کرد. او نیز در مقابل، در آوریل ۱۹۹۴م. اعلام کرد از گروه مصرعی در لندن، از طریق سازمان مستقر خود در خارطوم، یعنی منظمة التشاور للدفاع عن الحقوق الشرعية، حمایت خواهد کرد. (نک: همان: ۲۷۶ - ۲۸۸)

شیخ الاسلام وقت عربستان سعودی، عبدالعزیز بن باز، تحت فشار آل سعود فتوایی به این مضمون در سال ۱۳۷۵هـ ق درباره اسامه بن لادن صادر می‌کند: «اسامه بن لادن از مصادیق مفسدین بر روی زمین است که به دنبال راه‌های شر و مفسده‌انگیز است و از اطاعت ولی امر خارج شده است».

سرانجام در سال ۲۰۰۰م. شیخ دکتر سفر الحوالی و شیخ دکتر ناصر العمر آزاد شدند و اجازه تدریس یافتند. شیخ ناصر العمر در سال ۱۹۹۲م. کتابی با عنوان «واقع الرفضه فی بلاد التوحید» خطاب به هیئت کبار علما نوشت و در آن از حکومت سعودی خواست تا همه حسینیه‌های شیعه، تخریب، علمای شیعه، دستگیر و همه کارمندان شیعه ادارات اخراج شوند.

۳. بازتاب ۱۱ سپتامبر و چالش افغانستان

با شکل‌گیری مبارزات داخلی افغانستان با شوروی، عده‌ای که به عرب‌های افغان موسوم شدند، برای یاری هم‌کیشان مسلمان خود، از کشورهای مختلف اسلامی، از جمله عربستان، راهی افغانستان شدند. پس از پیروزی بر نیروهای شوروی و ایجاد درگیری‌های درازمدت در آنجا، نیروهای طالبان شکل گرفتند. با حمله آمریکا به افغانستان، نیروهای وهابی نیز در مبارزه القاعده با آمریکا وارد شدند. البته احساس مشترک میان آنان با مسلمانان افغانی، لزوماً با گرایش‌های سیاسی دولت عربستان و علمای وهابی همسویی نداشت.

در این میان که دولت آمریکا خواهان همکاری دولت سعودی در مبارزه با القاعده با عنوان مبارزه با تروریسم بود، گرایش‌های نوسلفی نیز حساسیت خاصی نسبت به فعالیت‌های سیاسی آمریکا و سلطه‌جویی آن در کشورهای اسلامی داشتند، درحالی‌که وهابیت سنتی عربستان همسو و بلکه تابع دولت عربستان و پادشاه عربستان است. البته مواضع نوسلفی‌ها و القاعده لزوماً با یکدیگر تطابق کامل نداشت.

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م. تلاش‌های عربستان برای توسعه سیاسی - دینی خود در جهان، از جمله در افغانستان دچار مشکل شد، به‌گونه‌ای که به ایجاد هر چه بیشتر شکاف درونی میان گرایش‌های مختلف وهابی انجامید. توسعه فعالیت‌های تروریستی در میان وهابیت جهادی، با مقابله جهانی روبه‌رو گشت. در داخل عربستان نیز واکنش‌های مختلفی در برابر آن شکل گرفت. بخشی از وهابیت جهادی، برای حفظ موقعیت خود در جهان و درون عربستان از برخی گرایش‌های تند خود عقب‌نشینی کردند، همچنان‌که دولت سعودی نیز ناگزیر از مقابله با گرایش تند جهادی و تکفیری شد.

در سال ۲۰۰۳م. عربستان سعودی شاهد افزایش تعصب دینی از سوی دولت و برخی شخصیت‌های دینی بود که بارزترین

آنها، تعرض به مسجد اصلی شیعیان اسماعیلی در شهر نجران جنوبی، اعمال تضییق بر تعدادی از حسینیه‌ها و مساجد شیعیان دوازده امامی و بازداشت بسیاری از علمای شیعه بود، چنان‌که آزادی سایت‌های اینترنتی که به تعصبات دینی میان طوایف دامن می‌زدند، در این سال افزایش یافت.

نخستین سمینار تقریب فکری سعودی و گفت‌وگوی رو در رو میان اندیشمندان مختلف این کشور، به عنوان «الملتی الوطنی للحوار الفکری» از پنجم آگوست ۲۰۰۳م. شکل گرفت. در این سمینار که با سخنرانی شیخ محدث سلیمان بن ناصر العلوان آغاز گشت، برای نخستین بار گفت‌وگوهایی میان دکتر سفر الحوالی با ترکی الحمد، شیخ سلمان العوده با دکتر عبدالله الغدामी، دکتر ناصر العمر با ترکی السدیری و دکتر سعید ال زعیر با دکتر عبدالله الفوزان شکل گرفت.

این سمینار سه روزه، به یاری دکتر عبدالله بن عمر نصیف، دبیر کل سمینار عالم اسلامی، و دکتر راشد الراجح، مدیر پیشین دانشگاه أم القری، به ریاست دکتر صالح بن عبد الرحمن الحصین، رئیس عمومی شؤن مسجدالحرام برگزار شد و با دیدار با ولی عهد عربستان سعودی، امیر عبد الله بن عبد العزيز به پایان رسید.

۴. بازتاب اشغال عراق

با پیروزی امریکا در افغانستان در سال ۲۰۰۲م. و سقوط امارت اسلامی طالبان و نیز پس از شکست دولت صدام در ۹ آوریل ۲۰۰۳م. القاعده کوشید عراق را به صحنه جدیدی برای مبارزه‌جویی دینی خود تبدیل کند. از این رو، القاعده در مارس ۲۰۰۷م. از دولت اسلامی عراق سخن گفت و به دلیل این مسئله که اطلاق عنوان امارت اسلامی عراق، این شبهه شرعی را پیش می‌آورد که این حکومت از نوع حکومت خلافت بوده و نیاز به وجود خلیفه‌ای است که اجماع امت پشتوانه او به شمار می‌آید، از به‌کارگیری دولت اسلامی عراق به جای امارت اسلامی عراق چشم پوشید، درحالی‌که در این کشور و دیگر مناطق تحت نفوذ خود به جای تعبیر امیرالمؤمنین از واژه امیر بهره می‌گیرد؛ به این معنا که سازمان القاعده در نظر دارد واحدهای سیاسی محدودی را که می‌توانند به بخشی از امارت اسلامی تبدیل شوند، افزایش دهد.

در هر حال، فعالیت‌های دینی سیاسی تکفیری و خشونت‌آمیز القاعده تا اندازه زیادی - به صورت شفاف یا همراه با تقیه - با حمایت جریان نوسلفی روبه‌رو گشت، به گونه‌ای که این مسئله به دو شکل نمود یافته است: یکی مقابله با امریکا و دیگری، مقابله مذهبی و تکفیری با شیعیان. پس از اشغال عراق و قدرت‌یابی شیعیان، حساسیت دینی و تکفیری وهابیت نسبت به شیعیان و ایران افزایش یافت. برخی مصداق‌های این حساسیت عبارتند از:

الف) تشکیل کنفرانس بزرگی در استانبول ترکیه با عنوان نصره الشعب العراقي (۲۲ و ۲۳ ذی‌قعدة ۱۴۲۷هـ.ق/ ۱۳ و ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶م.) و تأکید بر لزوم مقابله با تشیع و سلطه شیعیان که از آن به‌عنوان قدرت‌جویی تشیع صفوی و سلطه رافضیان

نام می‌بردند. در این جلسه، سخنان تند شیخ سفر الحوالی و شیخ ناصر العمر اهمیت خاصی داشت.

ب) صدور فتوای هدم قبور ائمه^ع، از جمله حرم عسکریین^ع.

شخصیت‌های نوسلفی

شاخص‌ترین شخصیت‌های وهابی در جریان نوسلفی عبارتند از:

۱. سفر الحوالی؛

۲. سلمان العوده؛

۳. بن جبرین؛

۴. ناصر العمر؛

۵. عائض القرنی.

شیخ البراک و شیخ محسن العواجی نیز از دیگر افراد مشهور در جریان نوسلفی هستند.

۱. شیخ دکتر سفر الحوالی

رساله فوق‌لیسانس این شاگرد محمد قطب که زیر نظر استاد نگاشته شد، با عنوان «العلمانية: متبعا أصولها و تطورها و فلسفتها و تجلياتها في العالم العربي و الاسلامي» درباره سکولاریسم و ابعاد آن است. «ظاهرة الارحاء في الفكر الاسلامي»، نیز عنوان رساله دکترای اوست که در آن به بررسی مسأله نوعی از دین‌گریزی در قالب اندیشه ارجاء پرداخته است. او در ماجرای لشکرکشی امریکا به خلیج فارس در ۱۹۹۰م. نه تنها به مخالفت با آن برخاست، بلکه با اتخاذ مواضعی هوشمندانه توانست توجه بسیاری از مسلمانان را که از مواضع انفعالی به تنگ آمده بودند، متوجه خود سازد و نشاط جدیدی در آنها به وجود آورد. او توانست با سخنرانی‌های فراوانی که به وسیله نوارهای کاست در بسیاری از کشورهای اسلامی نفوذ کرد، به بیداری اسلامی دامن زند. بخش عمده‌ای از تلاش او متوجه بازنمایی گرایش‌های استعماری امریکا و نفوکان‌ها شد. کتاب مشهور او، «وعد کیسنجر و الاهداف الاميركية بالخليج»، نمونه بارز این تلاش و جهت‌گیری ضد استعماری اوست. او پیش از جنگ کویت، با سخنرانی مشهور «العالم الاسلامي في ظل الوفاق الدولي»، توجه مسلمانان را به هدف‌های بلند مدت امریکا در خلیج فارس جلب کرد. برخی تلاش‌های ضد استعماری او در کتاب «القدس بين الوعد الحق و الوعد المفتری» و کتاب «يوم الغضب» به چشم می‌خورد.

فعالیت‌های مقابله‌جویانه سیاسی سفر الحوالی با دولت سعودی به دلیل همراهی با امریکا، واکنش نظام حاکم عربستان را در پی داشت. امیر نایف بن عبدالعزیز، وزیر کشور عربستان، در ذی‌قعدة ۱۴۱۴هـ.ق با ارسال کتاب **وعد کیسنجر**، دستور پادشاه عربستان برای بررسی وضعیت کتاب‌ها و سخنرانی‌های ماه محرم شیخ دکتر سفر الحوالی و شیخ سلمان بن فهد العوده را به هیئت کبار العلما ابلاغ کرد. چند روز پس از آن (۳/۴/۱۴۱۴هـ.ق)، بن باز، مفتی عام عربستان و رئیس هیئت کبار العلما،

نتیجه بررسی در دوره چهل و یکم این هیئت را که در طائف منعقد شده بود، بدین صورت به وزیر کشور اعلام کرد: به اجماع اعضا مقرر گشت آنان در کمیته‌ای با حضور دو تن از علما به انتخاب وزیر «شؤون اسلامی، اوقاف، تبلیغ و ارشاد» حاضر شوند و عذرخواهی کنند و در غیر این صورت، از برقراری سخنرانی و دروس عمومی ممنوع خواهند شد.^۵

البته بن باز تنها یک هفته پس از این اعلام نظر رسمی، در پاسخ پرسشی درباره حکم شنیدن سخنرانی‌ها و نوارهای صوتی و مطالعه نوشته‌های عائض القرنی، سلمان العوده، ناصر العمر، سفر الحوالی و عبدالوهاب الطریری، مطالبی را می‌نویسد که نشان‌دهنده نگاه معتدل‌تر او درباره این اشخاص است، به گونه‌ای که به نوعی در پی تلطیف فضای حاکم است. شیخ بن باز، مفتی بزرگ عربستان، نه تنها آنها را به صورت مطلق از اتهام خارجی‌گری و بدعت‌گذاری دور می‌داند، بلکه نوارهای آنان را نیز به صورت مطلق مفید معرفی می‌کند و غیبت آنها را جایز نمی‌داند. البته او به طور کلی بر عدم عصمت بنی‌آدم تأکید می‌ورزد و تنها از تبعیت خطاها پرهیز می‌دهد، ضمن آنکه با اشاره به روایت صحیح‌السندی، خطای حاکمان و نیز خطای علما را اجتهادی می‌خواند و آنها را در این صورت، بهره‌مند از یک اجر و در صورت حسن اجتهاد حاکمان و علما، بهره‌مند از دو صواب معرفی می‌کند. از این رو، وی به طور کلی همگان را به برداشت درست از اهل علم فرا می‌خواند. در مجموع، این پاسخ او به نوعی تعدیل فضای تنیدی است که برضد پیشتازان جنبش نوسلفی به وجود آمده است.^۶ برخی نوارهای صوتی و توضیحات دیگر از بن باز نیز در منع حمله به سفر الحوالی، سلمان العوده و...، در سایت‌های مختلف منتشر شده است.^۷

از سوی دیگر، ده سال پس از این رخداد و حدود چهار ماه پس از تشکیل سمینار گفت‌وگوی اسلامی - وطنی در عربستان با محوریت پیشتازان جنبش بیداری نوسلفی، شیخ سفر الحوالی در پاسخ به این پرسش که چرا رهبران جنبش بیداری از مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کرده‌اند، تصور سؤال‌کننده به عنوان یکی از هدف‌های اولیه آنها را بر خطا و ناشی از سوء فهم نسبت به آنها دانست. (نک: روزنامه مدینه، ۱۳۲۴) این پاسخ او، لزوم بازخوانی دقیق هدف‌های دینی و سیاسی پیشتازان جنبش بیداری نوسلفی را نشان می‌دهد.

بی‌دلیل نیست در شرایطی که وهابیت عربستان در جهت سازش با استعمار جهانی گام برمی‌داشت، این وهابی سعودی

۵. برای دیدن رونوشت نامه بن باز یا حکم هیئت کبار العلماء، نک:

www.benaa.com/Read.asp?PID=۳۴۴۸۶۹&Sec=۰

۶. نامه ۱۹۷ خ. دفتر مفتی عام مملکت سعودی، به نقل از:

www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴

۷. برای دیدن و شنیدن برخی آنها نک:

www.benaa.com/Read.asp?PID=۳۴۴۸۶۹&Sec=۰

<http://www.islamgold.com/view.php?gid=۲&rid=۵>؛

<http://audio.islamweb.net/islamweb/index.cfm?fuseaction=ReadContent&AudioID=۱۵۴۳۰>

توانست توجه بسیاری از سلفی‌های منزجر از سلطه جهانی امریکا را به خود جذب کند. از این رو، در دوران معاصر، سفر الحوالی شخصیتی است که تنها در عربستان محدود نشده است، بلکه چهره برجسته او در میان بسیاری از جریان‌های سلفی انقلابی مورد توجه است. حرکت آنها به مصر، اردن و بسیاری از نقاط جهان کشیده شد.

سفر الحوالی برای گردآوری مریدان پرشمار خود، به زمان زیادی نیاز نداشت؛ زیرا در مدت چند ماه جوانان بسیاری اطراف او و دوست همیارش، سلمان العوده و دیگر پیشتازان جریان بیداری اصلاح‌گرا یا نوسلفی مانند ناصر العمر و بشر البشر گرد آمدند و افراد فرهنگی، اساتید دانشگاهی، تکنوکرات‌ها، اندیشمندان و مبلغان دینی و نوگرایان بسیاری نیز از حرکت آنها به هیجان آمدند. تلاش اصلاحی آنها تنها به مقابله‌جویی با استعمار در منطقه محدود نماند؛ زیرا پس از مدتی، پیکان اصلاح‌گرایی آنها متوجه پدیده داخلی شد.

در سطح خارجی، مصر از فراگیری نفوذ نوارهای صوتی سفر الحوالی، سلمان العوده و پیشتازان بیداری سلفی جدید در میان جوانان احساس خطر کرد. در اردن سازمانی با عنوان **جمعیة الكتاب و السنة** در ۱۹۹۴م. تأسیس شد. آثار این حرکت دینی - سیاسی در کشورهای خلیج فارس، یمن، مغرب عربی و کشورهای دیگری نیز ظاهر گشت، چنان‌که وقتی شیخ دکتر سفر الحوالی به دلیل کسالت در بیمارستان بستری شد، مشتاقان بسیاری در سطح کشورهای اسلامی در انتظار بازگشت سلامتی او بودند.

سفر الحوالی به همراه سلمان العوده به ساختن اندیشه سیاسی و دینی جوانان همت گماشت، چنان‌که ناصر العمر به تربیت اخلاقی آنان می‌پرداخت، عائض القرنی، علی القرنی و دیگران نیز به ساختن روحی و معنوی آنان مشغول بودند.

دستگیری و زندانی سفر الحوالی و برخی دیگر مانند سلمان العوده به وسیله دولت سعودی سبب شد خلأ حضور این رهبران بیداری اصلاحی به سود جنبش مسلحانه القاعده تمام شود و بسیاری از جوانانی که نمی‌توانستند میان گرایش‌های اصلاح‌گرایانه و جهادی تفکیک قائل شوند، به سوی حرکت‌های مسلحانه و خشونت‌آمیز آنان تمایل پیدا کنند.

اندکی پس از خروج آنان از زندان - و البته همراه با حصر و مراقبت ویژه از آنان - واقعه ایلول رخ داد. سفر الحوالی و سلمان العوده در مقابل واقعه ایلول موضع گرفتند و آن را محکوم کردند، چنان‌که پس از آن، مشارکت جوانان در شعله‌های جنگ افغانستان را غیرشرعی دانستند. سپس آنان به مقابله با تهاجم تبلیغاتی امریکا علیه سعودی همت گماشتند و در مقابل بیانیه روشنفکران امریکایی با عنوان «علی‌ای أساس نقاتل؟»، بیانیه‌ای با عنوان «علی‌ای أساس نتعایش؟» صادر کردند که به‌عنوان سندی اصلاح‌گرایانه، محور بسیاری از تحلیل‌ها و بررسی‌های سیاسی قرار گرفت.

پس از این ماجرا، جریان بیداری نوسلفی ابعاد گسترده‌تری یافت، به‌گونه‌ای که سفر الحوالی و دیگر رهبران این جریان به مقابله با برخی تنش‌های خشونت‌بار و امنیتی در عربستان پرداختند. سفر الحوالی و سلمان العوده، برخلاف حمایت از مقاومت‌های نظامی مسلمانان سنی در عراق، جوانان سعودی را از رفتن به آنجا برحذر می‌داشتند و آن را مفسده‌آمیز می‌خواندند. در مجموع، سفر الحوالی

و یاران او، در آغاز با مخالفت وهابیت سنتی و در اواخر با مخالفت القاعده و حرکت‌های تکفیری روبه‌رو گشت. (نک: ابورمان، ۲۰۰۸م/ ۱۴۲۹هـ.ق)

شایان توجه است که شیخ دکتر سفر الحوالی دبیر کل جریان «حملة العالمية لمقاومة العدوان» است. درباره او مواضع مختلفی در میان اندیشمندان عربستان سعودی و جهان اسلام به چشم می‌خورد؛ شیخ دکتر ربیع المدخلی، سفر الحوالی را از خوارج می‌داند.^۸ عمر الکامل نیز از جمله کسانی است که در رد او دست به قلم برده است. البته او که از سوی طرفداران سفر الحوالی، صوفی خوانده شده، بدون پاسخ نمانده، به‌گونه‌ای که دکتر عبدالله بن حسین الموجان، کتابی با عنوان «الردّ الشامل علی عمر کامل»، در پاسخ به او نگاشته است.^۹ در مقابل، کسانی چون شیخ الالبانی،^{۱۰} شیخ بن قعود^{۱۱} و عبدالله بن جبرین، از او و دیگر پیشتازان جنبش بیداری (الصحوه) حمایت کردند.

مواضع دکتر سفر الحوالی بر ضد تشیع بسیار تند است. در تابستان ۱۳۸۵ در ایام جنگ ۳۱ روزه اسرائیل با حزب‌الله، او در وبسایت خود اعلام کرد: حزب‌الله که معنی آن حزب خداست، در حقیقت حزب شیطان است؛ برای حزب‌الله دعا نکنید. این فتوا، پیرو فتوای مشابهی صادر شد که سه هفته پیش از آن، به‌وسیله شیخ عبدالله بن جبرین صادر شده بود.

۲. سلمان العوده

شیخ سلمان بن فهد العوده، مسئول مؤسسه اسلام امروز (: الاسلام الیوم) است. این مؤسسه از سایت اینترنتی خاصی برخوردار است که به صورت مستمر به فعالیت می‌پردازد.

دکتر عصام العماد، سلمان العوده را از جمله شاگردان محمد قطب و بن لادن را بهره‌مند از شاگردان سید قطب معرفی می‌کند. به گزارش او، سلمان العوده، کتابی به نام **صفة القرباء** نگاشته است که دست‌کم ده نفر از وهابیان جهان در مقابل آن ردیه نوشته‌اند.

سلمان العوده یکی از پیشتازان جنبش بیداری نوسلفی است که فعالیت‌های او با نقد و انکار بسیاری از وهابیان سنتی

۸. نک: <http://youtube.com/watch?v=۵Y۱htqLEINw&feature=related>

۹. برای به دست آوردن این کتاب نک: <http://www.ahlalhdeth.com/vb/showthread.php?t=۸۵۷۵۵>

عنوان‌های دیگر کتاب‌های دکتر عبدالله بن حسین الموجان که بیشتر آنها به مکتبه الشنقیطی در جدّه مربوط می‌شود، عبارتند از:

۱. معذرة المؤمنین إلى رب العالمین؛ ۲. محاضرات الدعاء الشیخ حسین بن عبد الله الموجان؛ ۳. أحكام الحيوان فی الفقه الإسلامی؛ ۴. التوقیت فی المعاملات المالیة؛ ۵. فتح المغیث فی علم الموارث؛ ۶. أهم الحركات التجدیة للدعوة الإسلامیة؛ ۷. العولمة الاقتصادية من منظور إسلامیة؛ ۸. تحاسد العلماء؛ ۹. تدمیر بلا هدف؛ ۱۰. عقد الحواله فی الشریعة الإسلامیة؛ ۱۱. عقد الكفالة فی الشریعة الإسلامیة؛ ۱۲. عقد الإجارة فی الشریعة الإسلامیة؛ ۱۳. عقد الحضانه فی الشریعة الإسلامیة؛ ۱۴. عقد التفریق فی النکاح فی الشریعة؛ ۱۵. أحكام الطلاق فی الشریعة الإسلامیة؛ ۱۶. عقد الرهن فی الشریعة الإسلامیة؛ ۱۷. أحكام العاریة فی الشریعة الإسلامیة؛ ۱۸. أحكام الودیعة فی الشریعة الإسلامیة؛ ۱۹. عقد المضاربة فی الشریعة الإسلامیة.

۱۰. نک: www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴

۱۱. نک: www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴

روبه‌رو گشت. از این‌رو، دکتر عبدالله بن جبرین یکی از کسانی است که در مقابله با این هجمه‌ها، در اواخر ۱۴۱۳ هـ.ق به حمایت از وی پرداخته است. وی که در آن زمان، ریاست کل «اداره بحوث علمی و افتا و تبلیغ و ارشاد» در عربستان را بر عهده داشت، در ۱۹/۱۰/۱۴۱۳ هـ.ق بر سابقه‌آشنایی خود از طریق مطالعه نوشته‌های او، شرکت در دروس و سخنرانی او و شنیدن نوارهای صوتی او تأکید کرد و سپس با تمجید بلیغی از او، بر صحت اعتقادات وی پای فشرد. وی در این نوشته، توانایی و مبارزه استوار او را نیز در برابر سکولارها، کمونیست‌ها، مسیحیت، الحادگران و روافضیان می‌ستاید.^{۱۲}

جالب اینکه حدود پنج ماه بعد در محرم ۱۴۱۴ هـ.ق پادشاه عربستان از طریق وزیر کشور، به هیئت کبار العلماء دستور داد تا کتاب‌ها و سخنرانی‌های او و سفر الحوالی را بررسی کنند. از این‌رو، آن هیئت حکمی را مبنی بر لزوم عذرخواهی آنها و در غیر این صورت ممنوعیت سخنرانی و تدریس عمومی آنها صادر کرد.

وی از جمله کسانی است که باب انتقاد علنی از حاکم را گشود.^{۱۳} او از این تلقی در سال‌های بعد نیز دست نکشید، چنان‌که در ۱۴۲۴ هـ.ق/۲۰۰۳ م. همانند همین رویکرد را در سخنان خود القا می‌کرد.^{۱۴}

شیخ بن عثیمین با ترجیح شنیدن سخنرانی‌های شیخ بن باز و شیخ الالبانی، گوش دادن به نوارهای سخنرانی سلمان العوده و سفر الحوالی را منع می‌کند.^{۱۵} شیخ یمنی علامه مقبل بن هادی الوادعی، سلمان العوده را بدعت‌گذار می‌خواند. شیخ محدث عبدالمحسن العباد، عالم مدینه نیز در کتاب **مدارک النظر**، او را غوغاآفرین می‌خواند. شیخ علامه عبید الجابری، دیگران را از امثال او برحذر می‌دارد.^{۱۶} دکتر ابراهیم بن محمد الصبیحی، عضو هیئت تدریس در دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود در ریاض، کتابی با عنوان **حتى لا يقع الحرج** بر ضد کتاب سلمان العوده با عنوان **إفعل و لا حرج** نوشت که در آن، به نقد دیدگاه‌های سلمان العوده درباره مناسک حج می‌پردازد. جالب آنکه این کتاب انتقادی همراه با مقدمه چند شخصیت برجسته وهابیت دولتی عربستان به چاپ رسیده است، چنان‌که مفتی عام عربستان سعودی، شیخ عبدالعزيز آل شیخ و رئیس مجلس قضایی اعلی، شیخ صالح الحیدان و نیز علامه شیخ الفوزان بر این کتاب مقدمه نوشته‌اند.

در مقابل، افراد بسیاری از مشایخ وهابی سعودی از او حمایت کرده‌اند؛ برای نمونه، شیخ علامه عبدالعزيز الراجحی

۱۲. به نقل از: www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴

۱۳. برای شنیدن نمونه‌ای از بیان صریح او در این باره در نوار «**لماذا نخاف النقد؟**» نک:

<http://audio.islamweb.net/islamweb/index.cfm?fuseaction=ReadContent&AudioID=۱۵۰۰۵>

۱۴. برای شنیدن سخنان انتقادی او در ۲۶/۵/۱۳۲۴ هـ.ق نک:

http://www.islamtoday.net/articles/show_articles_content.cfm?id=۳۷&catid=۳۸&artid=۲۶۱۳

۱۵. برای دستیابی به نوار صوتی ابن عثیمین نک:

http://www.sohari.com/nawader_v/fatawe/listen/ben-othimin-takfeer-gazaer.ram

۱۶. برای مثال، شیخ علامه عبید الجابری، دیگران را از امثال ابراهیم الدویش پرهیز می‌دهد، به نقل از:

qatarshares.com/vb/showthread.php?t=۱۰۸۶۵۲&page=۴

(مشهور به بن باز صغیر) در پاسخ به پرسشی در درس خود درباره صحت عقیده سفر الحوالی و سلمان العوده، عقیده آنها را در شعبان ۱۴۱۴هـ.ق، سلیم و در چارچوب اهل سنت و جماعت خواند^{۱۷} و شیخ علامه عبدالله بن قعود (عضو هیئت کبار العلماء و عضو اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء)، شیخ عبدالله المطلق (عضو هیئت کبار العلماء در ۱۴۲۳هـ.ق) و نیز شیخ دکتر عبدالله بن جبرین^{۱۸} به حمایت از او برخاستند، چنانکه بن جبرین در حمایت از سلمان العوده، در جلسه دفاعیه رساله دکترای او در اوایل ۱۴۲۵هـ.ق حضور یافت.^{۱۹} شیخ محمد بن صالح المنصور (استاد سلمان العوده) نیز پس از به زندان افتادن سلمان العوده و سفر الحوالی از آنها حمایت کرد.^{۲۰}

۳. بن جبرین

بن جبرین (عبدالله بن عبدالرحمن بن جبرین) شخصیت مشهوری است که ارتباط خاصی با سفر الحوالی دارد. او که شاگرد مناع القطان نماینده اخوان المسلمین در سعودی بوده است، برای سید قطب احترام خاصی قائل است. البته او موضع تکفیری خوارج را بر نمی‌تابد و همگان را از آن بر حذر می‌دارد. در مقابل، به اطاعت از ولی امر سفارش می‌کند. برای پی بردن به حساسیت‌های سلفی و وهابی بن جبرین، توجه به این نکته مفید است که او حساسیت خاصی نسبت به شیعیان دارد و خواستار محدودیت آنان در عربستان است.

از سوی دیگر، بن جبرین در یک سخنرانی، با نفی این موضوع که بن باز، اسامه بن لادن را مفسد فی الارض خوانده باشد و او را خارج از اسلام بداند، از اسامه بن لادن با عنوان مجاهد دفاع می‌کند. چه آنکه از گذشته تا به حال اسامه بن لادن در راه خدا مبارزه کرده و مجاهدات فراوانی در افغانستان به توفیق الهی داشته و خداوند او را در این امر یاری داده است. بن جبرین درباره مواضع تکفیری اسامه بن لادن معتقد است که این مسئله اجتهاد اوست. از این رو، نمی‌توان به سبب این موضع تکفیری او را مفسد فی الارض دانست.^{۲۱} بن جبرین سرانجام پس از عمری فعالیت دینی - سیاسی، در تابستان ۱۴۳۰هـ.ق درگذشت.

۱۷. وی در درس خود در تاریخ ۱۲ شعبان ۱۴۲۴هـ.ق از آنها حمایت کرد. برای دستیابی به نوار صوتی آن نک:

<http://www.islamgold.com/view.php?gid=۲&rid=۳۱>

۱۸. برای دیدن برخی از حمایت‌های عبدالله بن جبرین پس از ۱۴۲۵هـ.ق نک:

<http://www.liveislam.com:۸۰۸۰/ramgen/archiv۲/muharram/salman۵.rm>

<http://www.liveislam.com:۸۰۸۰/ramgen/archiv۲/muharram/salman۴a.rm>

همچنین برای دیدن یک متن دفاع خاص بن جبرین از سلمان العوده و متن دفاعیه عامی از او نسبت به سلمان العوده، سفر الحوالی، ناصر العمر و عائض القرنی نک:

www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴

۱۹. به نقل از: qatarshares.com/vb/showthread.php?t=۱۰۸۶۵۲&page=۴

۲۰. به نقل از: www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴

۲۱. <http://www.zshare.net/download/۳۶۷۷۶۲۰a۲e۱fre>

۴. ناصر العمر

شیخ دکتر ناصر بن سلیمان العمر، مسئول سایت خبری المسلم، از دیگر علمای نوسلفی است که مواضع بسیار تندى بر ضد شیعه به ویژه در قضیه عراق دارد، چنان که وی کتابی با عنوان *عن خضوع الأمراء لولاية العلماء* در بررسی شکافی که میان شیخ عبدالله الترقی و ملک عبدالله در سال ۲۰۰۵م. رخ داد، نگاشته است.

۵. عائض القرنی

عائض القرنی در دهه ۱۹۹۰م. فعالیت‌های نوسلفی خویش را آغاز کرد، ولی پس از حوادث خشونت‌بار در عراق اشغالی، به نوعی به سلفی‌گرایی اعتدالی گرایش یافت. در برابر فعالیت‌های نوسلفی او، برخوردهای مختلفی به وجود آمد، از جمله امیر خالد الفیصل امیر عسیر، به اتهامات غیراخلاقی او را به دادگاه کشاند که چنین برخوردی با یک عالم، برای نخستین بار بود که اتفاق می‌افتاد. البته این مقابله‌جویی‌ها، او را از مواضع انتقادی‌اش نسبت به رابطه علما و نظام سیاسی بازداشت.

نمونه‌ای از مقابله‌جویی عائض القرنی با حکومت‌های فاسق در برخی اشعار او نیز نمود یافته است؛ برای نمونه، او در دیوانش با عنوان «بلحن الخلود»، در قصیده‌ای با عنوان «دع الحواتی و اخرج»، به چنین مضامینی اشاره کرده است.^{۲۲} به طور طبیعی، چنین مضامینی با نقد و انکار وهابیت سنتی‌ای روبه‌رو گشته است که برخوردهای مقابله‌جویانه با دولت را جز در قالب نصیحت، و آن هم عمدتاً پنهانی نمی‌پذیرند؛ برای مثال، شیخ احمد النجمی، نقد تندى نسبت به این اشعار نگاشته و مضامین آنها را به دلیل تجویز خروج بر حکومت، همسو با خوارج و معتزله خوانده است.^{۲۳} زید المدخلی نیز در این دیوان به نقد این اشعار عائض القرنی پرداخته و آنها را بر ضد علم و علما، با گرایش خروج بر ولأه امر و در راستای اندیشه‌های تروریستی خوانده است.^{۲۴}

وی پیکان این رویکردهای انتقادی را در مرحله نخست متوجه دولت سعودی و پادشاه آن دانسته و به نکوهش آن پرداخته است. زید المدخلی، ریشه این افکار اعتراضی را با لحنی نکوهشی، تأثیرپذیری از اندیشه‌های سید قطب، اخوان المسلمین، حسن الترابی و امام خمینی □ معرفی می‌کند. وی تمجید صریح عائض القرنی نسبت به حسن الترابی را نیز قابل نکوهش می‌داند. (نک: همان: ۱۱۰)

۲۲. برای دیدن این قصیده، نک: qatarshares.com/vb/showthread.php?t=۱۰۸۶۵۲&page=۴

۲۳. احمد النجمی، *المورد العذب الزلال فیما انتقد علی بعض المناهج الدعویة من العقائد و الأعمال*، صص ۳۲-۳۷، به نقل از:

qatarshares.com/vb/showthread.php?t=۱۰۸۶۵۲&page=۴

۲۴. زید بن محمد بن هادی المدخلی، *الإرهاب وآثاره علی الأفراد والأمم*، ص ۱۴۰، به نقل از:

qatarshares.com/vb/showthread.php?t=۱۰۸۶۵۲&page=۴

این شخصیت مشهور نوسلفی پس از خروج جوانان مبارز از زندان‌های ضد تروریسم، نه تنها به کمیته‌های نصیحت پیوست، بلکه برای دامن زدن به سلفی‌گرایی معتدل، تلاش‌های بسیاری در تلویزیون سعودی، شبکه‌های ماهواره‌ای و ... انجام داد. حتی به اجرای مناظره با شخصیت‌های برجسته مبارزه نظامی نیز دست زد. البته عائض القرنی مبلغ و شخصیتی پر سر و صداست؛ برای نمونه، او که برخلاف فتوای پیشین خود و هم‌نوا با اجماع سلفی مبنی بر وجوب پوشاندن وجه و کفین به‌وسیله زنان، در یک برنامه سینمایی با عنوان «نساء بلا ظل»، این حکم را کنار نهاد و موجی از نقدها و حمله‌های فکری را متوجه خود ساخت. او در پی فشارهای مختلف به‌ویژه اتصال مفتی اعظم سعودی، شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ، وزیر شؤون اسلامی و برخی دیگر از بزرگان وهابی، در نوشته‌ای توضیحی از این حکم عدول کرد و مخاطب آن فیلم را زنان غرب معرفی کرد.

در مجموع، این فتوا و دیگر مواضع او مانند موضع او درباره رانندگی زنان، مشکل‌آفرین بود و برای او گران تمام شد، به‌گونه‌ای که سبب شد وی سرانجام پس از ربع قرن فعالیت‌های تبلیغی، با سرودن قصیده‌ای انتقادی در روزنامه مدینه، ناگزیر روش سکوت و انزوا را برگزیند. این قصیده از رنج‌های طولانی او از صفای ایام گذشته و کدورت ایام فعلی حکایت دارد. بخشی از این فعالیت‌های او، چهره وی را در میان علما مخدوش کرد و بخشی از آنها به‌ویژه حاضر شدن او در چهره مناظره محققانه با افراد آشتی‌ناپذیر تروریست، به تضعیف جایگاه مردمی او انجامید.

مواضع وهابیت دولتی درباره تکفیر و تروریسم

با وجود آنکه اندیشه وهابیت مهم‌ترین زمینه تکفیر در میان مسلمانان را در دو سده اخیر فراهم آورده است، می‌توان گفت در وهابیت دولتی - در فضای نوین جهانی به‌ویژه در دوران مبارزه با تروریسم به رهبری امریکا که پیکان آن متوجه جریان‌های عمدتاً تکفیری وهابی مانند القاعده است - نسبت به وهابیت نوسلفی، خشونت کمتری دیده می‌شود، به‌گونه‌ای که افراط در تکفیرگرایی خشونت‌آمیز در تعارض با سیاست‌های خارجی و داخلی عربستان در دوران حاضر، امنیت این کشور را دستخوش آسیب‌پذیری جدی کرده است.

مهم‌ترین موضع‌گیری وهابیت دولتی عربستان در برابر تکفیر را می‌توان مربوط به سندی دانست که از سوی هیئت کبار علمای عربستان در دوران ریاست بن باز در ۱۴۱۹هـ.ق صادر شده است.^{۲۵} بر این اساس، دولت عربستان که از بحران

۲۵. متن بیانیه هیئت کبار علما در محکومیت تکفیر بدین صورت است:

«هیئت کبار العلماء در جلسه چهل و نهم که در طائف از تاریخ ۱۴۱۹/۴/۲ هجری قمری تشکیل شد، حوادثی را که در کشورهای اسلامی و غیر آن، از تکفیر و انفجارها و امور ناشی از آن، از خونریزی‌ها و نابود کردن مؤسسات مختلف اتفاق افتاده، مورد بررسی قرار داد و نظر به اهمیت این موضوع و پیامدهای آن اعم از کشتن بی‌گناهان و اتلاف اموال و ایجاد رعب و وحشت در مردم و ایجاد ناامنی و تزلزل و بی‌ثباتی در جامعه،

مجلس تصمیم گرفت حکم این موضوع را طی بیانیه‌ای به‌عنوان خیرخواهی الهی بندگان خدا و ادای تکلیف و رفع هرگونه اشتباه از کسانی که گرفتار اشتباه در مفاهیم اسلامی شده‌اند، روشن سازد. به همین دلیل، نکات زیر را یادآور می‌شود و از خداوند توفیق می‌طلبد:

۱. تکفیر (کسی را کافر دانستن) یک حکم شرعی است که باید معیارش از سوی خدا و رسول او تعیین گردد، همان‌گونه که حلال و حرام و واجب باید از سوی خدا باشد. همچنین تکفیر و گفتار و رفتاری که (در کتاب و سنت) گاه کفر بر آن اطلاق شده [است]، به معنی «کفر اکبر» که سبب خروج از دین اسلام می‌شود، نیست.

بنابراین - چون باید حکم به کفر از سوی خدا و رسولش باشد - جایز نیست کسی را تکفیر کنیم، مگر اینکه دلیل روشنی از کتاب و سنت بر کفر او گواهی دهد و گمان و احتمال هرگز کافی نیست؛ زیرا احکام سنگینی بر این حکم بار می‌شود. هنگامی که ما در مورد حدود معتقدیم طبق قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» باید بدون قطع و یقین اقدام نکنیم، مسلماً مسئله «تکفیر» به خاطر آثار مهمی که دارد، از حدود مهم‌تر است و لذا پیغمبر اکرم | همگان را از تکفیر کسی که واقعاً کافر نیست، برحذر داشت و فرمود: «هرکس به برادر مسلمانش بگوید ای کافر! اگر راست بگوید، طرف مقابل گرفتار عذاب الهی می‌شود و اگر دروغ بگوید، به خودش بازمی‌گردد.»

گاه در کتاب و سنت تعبیری دیده می‌شود که فلان سخن یا عمل یا اعتقاد موجب کفر است، درحالی‌که موانعی وجود دارد که جلو این حکم را می‌گیرد و این مانند احکام دیگری است که بدون اجتماع اسباب و شرایط و نفی موانع حاصل نمی‌گیرد، مانند اختلاف در دین. همچنین گاه کسی را اجبار بر ادای کلمات کفرآمیز می‌کنند، درحالی‌که سبب کفر او نمی‌شود (چون مجبور شده است) و نیز گاهی انسان سخن کفرآمیزی بر اثر شدت خوش‌حالی یا غضب و مانند آن می‌گوید (درحالی‌که از حالت طبیعی خارج شده [است]) و این موجب کفر او نمی‌شود؛ چون قصدی ندارد؛ شبیه داستان معروفی که کسی از شدت خوش‌حالی می‌گفت: خداوند تو بنده منی و من پروردگار توأم!

آثار مهم و خطرناکی بر شتاب در تکفیر مترتب می‌شود، از جمله مباح شمردن خون و مال آن شخص و جلوگیری از ارث او و جدایی از همسرش و غیر اینها که از آثار ارتداد است. بنابراین، چگونه جایز است مسلمان به کمترین شبهه‌ای چنین نسبتی به کسی بدهد (و این همه مسئولیت را بپذیرد)!

حاصل اینکه شتاب در تکفیر خطرات عظیمی دارد؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْأِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.» (اعراف، آیه ۳۳) (طبق این آیه، هرگونه کار زشت و ظلم و شرک و نسبت ناروا و سخن بی‌دلیل نسبت به خداوند حرام شمرده است.)

۲. آنچه از این عقیده باطل (نسبت شرک به مسلمین) حاصل شده، یعنی خون‌ها را مباح شمردن و عرض و آبروی مردم را بردن و اموال آنها را غارت کردن و منفجر ساختن خانه‌ها و وسایل نقلیه و مراکز اداری و تجاری ←

→ این اعمال و مانند آن به اجماع همه مسلمین حرام و گناه است؛ زیرا سبب هتک حرمت نفوس و اموال است و امنیت و آرامش زندگی مردمی را که در خانه‌ها و مراکز کار صبح و شام رفت و آمد دارند، از بین می‌برد و مصالح عمومی جامعه را که بدون آن نمی‌توانند زندگی کنند، بر باد می‌دهد. این در حالی است که اسلام اموال و اعراض و نفوس مسلمین را محترم شمرده و به هیچ‌کس اجازه تجاوز به حریم آنها را نمی‌دهد و از آخرین اموری که پیغمبر اکرم | در خطبه حجة‌الوداع به همه مسلمانان ابلاغ کرد، این بود که فرمود: «خون‌ها و اموال و اعراض شما بر یکدیگر محترم است، مانند احترام امروز (روز عید قربان) و احترام این ماه (حرام) و احترام این سرزمین مقدس (مکه)» سپس (برای تأکید) فرمود: «خداوند! گواه باش (من آنچه را باید بگویم) گفتم!» این حدیث مورد اتفاق همه محدثان است. و نیز فرمود: «تمام هستی مسلمان بر مسلمان حرام است؛ خونش، مالش و ناموس و عرضش.» و نیز فرمود: «از ظلم پرهیزید که ظلم در قیامت ظلمات است.» و نیز خداوند سبحان کسی را که خون بی‌گناهی را بریزد، به اشد مجازات تهدید کرده [است] و فرمود: «هرکس فرد با ایمانی را عمداً به قتل برساند، مجازاتش دوزخ است و برای همیشه در آن خواهد ماند و خداوند او را مورد غضب و لعن خود قرار خواهد داد و مجازات عظیمی برای او قرار داده است» (نساء: ۹۳) و نیز درباره قتل سهوی کافری که در امان مسلمین زندگی می‌کند، فرموده [است]: «باید دیه و کفاره بدهید.» (نک: نساء: ۹۲) با این حال، قتل عمد او چه حکمی خواهد داشت؛ به یقین جرم او عظیم‌تر و گناه آن سنگین‌تر خواهد بود. در حدیث صحیح از پیغمبر اکرم | آمده است کسی که غیرمسلمانی را که با مسلمین پیمان دارد، به قتل برساند، هرگز بوی بهشت را نخواهد شنید!

۳. این مجلس با توجه به حکمی که در بالا نسبت به تکفیر مردم بدون دلیل از کتاب و سنت صادر کرده و اهمیت آن را به سبب آثار شوم و گناهانی که بر آن مترتب می‌شود، بیان داشته [است]، به تمام مردم جهان اعلام می‌کند که اسلام از این‌گونه عقیده‌های باطل بیزار است و آنچه

تروریسم و گرایش‌های تکفیری رنج می‌برد، تلاش‌های گوناگونی را در مقابل این پدیده سامان داده است، از جمله صدور این بیانیه از سوی برترین نهاد مذهبی که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

تشکیل جلسه‌ای میان مسئولان دولتی و برخی علمای سلفی و نوسلفی پس از بازگشت برخی جوانان زندانی در گوانتانامو، از موارد دیگر این تلاش است. این جلسه در منزل شیخ صالح بن عبدالعزیز بن محمد آل‌الشیخ، وزیر پیشین وزارت شؤون الاسلامیه والأوقاف والدعوة و الارشاد، به ابتکار او و امیر محمد بن نایف بن عبدالعزیز مساعد (وزیر داخلی شؤون امنیتی) تشکیل شد. در این جلسه، شیخ صالح بن حمید (رئیس مجلس شورا)، شیخ سعد بن ناصر الشری (عضو هیأت کبار العلما) و شیخ یوسف الغفیس، عضو هیئت کبار العلما، شیخ دکتر عبدالله اللحیدان (نماینده وزارت شؤون اسلامی)، شیخ دکتر سلیمان العوده، شیخ عائض القرنی، شیخ محمد العریفی، شیخ ناصر العمر، استاد دکتر سعود الفنیسان، دکتر فالح الصغیر و بسیاری از افراد دیگر حضور داشتند.

در این جلسه، از بازگشت جوانانی که در زندان گوانتانامو به سر می‌بردند و در آنجا برای زندگی در شرایط عادی و گذر از گرایش‌های تکفیری و تروریستی تعلیم می‌دیدند، سخن به میان آمد و بر لزوم توسعه فعالیت علما و همکاری آنان در کمیته‌های نصیحت (وابسته به وزارت کشور) برای مقابله با اندیشه‌های گمراه‌گر تکفیری و تروریستی به‌عنوان بحثی اجماعی تأکید شد. این جلسه که در جهت همفکری مسئولان، علمای وهابی و علمای نوسلفی تشکیل شد، با موفقیت به پایان رسید و حاضران خواستار تشکیل دوباره آن شدند. از جمله مطالب مطرح شده در این جلسه، اشاره به ابراز خشنودی برخی کشورهای اروپایی مانند سوئد از موفقیت عربستان در برنامه‌های ضد تروریسم بود.

نتیجه

نوسلفیان بخشی مؤثر از میان وهابیان هستند و از دایره اندیشه‌های آنان خارج نیستند، اما برخی اندیشه‌های دین‌شناسانه و سیاسی آنان، این بخش از وهابیان را از دیگران متمایز کرده است. شاید بتوان گفت تا حدودی مواضع نوسلفی میان مواضع محافظه‌کارانه وهابیت سنتی و مبارزه‌گرایی القاعده در نوسان است. مطالعه جریان‌های وهابی نشان می‌دهد که اطاعت مطلق از حاکم سعودی نمی‌تواند برای همه وهابی‌ها و در همه شرایط جذابیت داشته باشد؛ زیرا از جنبه اعتقادی، زمینه‌های فراوانی

در بعضی از کشورها از ریختن خون بی‌گناهان و منفجر ساختن مسکن و مرکب‌ها و مراکز عمومی و خصوصی و تخریب کارگاه‌ها و مانند آن صورت می‌گیرد، عملی جنایت‌کارانه می‌داند که اسلام از آن بیزار است. همچنین هر مسلمانی که به خدا و روز جزا ایمان دارد از این اعمال بیزار می‌باشد و این کارها تنها کار کسانی است که دارای افکار منحرف و گمراهند و گناه و جرم آن به گردن آنهاست و هرگز نباید به حساب اسلام و مسلمانانی که به هدایت اسلام هدایت شده‌اند و متمسک به کتاب و سنت و پیرو قرآن مجیدند، گذارد. این کارها فساد و جنایت بزرگی است که شریعت اسلام و فطرت پاک انسانی آنها را نمی‌پذیرد. لذا روایات اسلامی به طور قاطعانه آن را تحریم کرده و از هم‌نشینی با این‌گونه افراد بازداشته است.»

سپس این بیانیه با اشاره به آیات و روایاتی که نشان می‌دهد اسلام دین محبت و دوستی، تعاون در نیکی و تقوی، گفت‌وگوی منطقی و حکیمانه و پرهیز از هرگونه خشونت و پرخاشگری است، پایان داده شده است.

برای تضعیف اقتدارگرایی حاکم وهابی در اندیشه همه مسلمانان، از جمله وهابیان وجود دارد. بر این اساس، برخی شرایط سیاسی این ظرفیت اعتقادی را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، نمی‌توان به جریان‌های سنتی یا نوظهور وهابی به صورت مطلق نگریست، چنان‌که در میان جریان نوسلفی، برخی مانند سفر الحوالی و عائض القرنی نسبت به کسی مانند ناصر العمر تحمل بیشتری در برابر تشیع دارند، به گونه‌ای که گرایش آنان به نوعی از دموکراسی روشی بیش از وهابیت سنتی است.

فهرست منابع

۱. ابورمان، محمد، ۲۷ حزيران، ۲۰۰۸م/ ۲۲ جمادى الاخر ۱۴۲۹هـ ق، سفر الحوالى... و السلفية الاصلاحية، مندرج در سايت: www.alyhad.jo/?news=۲۹۷۷۸
۲. ابوزيد، نصر حامد، ۱۳۸۳، نقد گفتمان دينى، ترجمه: حسن يوسفى اشكورى و محمد جواهر كلام، تهران، يادآوران.
۳. دكمجيان، هراير، ۱۳۸۳، جنبش هاى اسلامى معاصر در جهان عرب (بررسى پديده بنيادگر اى اسلامى)، ترجمه: حميد احمدى، تهران، شركت انتشارات كيهان.
۴. رضوان السيّد، ۱۳۸۳، اسلام سياسى معاصر در كشاكش هويت و تجدد، ترجمه: مجيد مرادى، تهران، انتشارات باز.
۵. روزنامه مدينه، ۲۸/۸/۱۳۲۴هـ ق.
۶. سفر الحوالى، بى تا، كشف الغمه عن علماء الامّة، بى جا،
۷. المدخلى، زيد بن محمد بن هادى، بى تا، الإرهاب و آثاره على الأفراد و الأمم، بى جا،
۸. النجمى، احمد، بى تا، المورد الندب الزلال فيما انتقد على بعض المناهج الدعوية من العقائد و الاعمال، بى جا.
۹. www.benaa.com/Read.asp?PID=۳۴۴۸۶۹&Sec=۰
۱۰. www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴
۱۱. www.benaa.com/Read.asp?PID=۳۴۴۸۶۹&Sec=۰
۱۲. www.islamgold.com/view.php?gid=۲&rid=۰
۱۳. <http://audio.islamweb.net/islamweb/index.cfm?fuseaction=ReadContent&AudioID=۱۰۵۴۳۰>
۱۴. www.alghad.jo/?news=۲۹۷۷۸
۱۵. <http://youtube.com/watch?v=۰Y۶htqLEINw&feature=related>
۱۶. <http://www.ahlalhdeeth.com/vb/showthread.php?t=۸۰۷۰۰>
۱۷. www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴
۱۸. www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴
۱۹. www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=۶۲۹۴
۲۰. <http://audio.islamweb.net/islamweb/index.cfm?fuseaction=ReadContent&AudioID=۱۰۵۰۰۰>
۲۱. http://www.islamtoday.net/articles/show_articles_content.cfm?id=۳۷&catid=۳۸&artid=۲۶۱۳
۲۲. http://www.sohari.com/nawader_v/fatawe/listen/ben-othimin-takfeer-gazaer.ram

٢٣. qatarshares.com/vb/showthread.php?t=١٠٨٦٥٢&page=٤
٢٤. <http://www.islamgold.com/view.php?gid=٢&rid=٣١>
٢٥. <http://www.islamgold.com/view.php?gid=٢&rid=٣١>
٢٦. www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=٦٢٩٤
٢٧. qatarshares.com/vb/showthread.php?t=١٠٨٦٥٢&page=٤
٢٨. www.aloyun.com/vb/showthread.php?t=٦٢٩٤
٢٩. <http://www.zshare.net/download/٣٦٧٧٦٢٠a٢e١fre/>
٣٠. qatarshares.com/vb/showthread.php?t=١٠٨٦٥٢&page=٤